

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Vanguard Woman

زن پیشواز

دپلوم انجنیر نسرين معروفی  
۱۶ سپتمبر ۲۰۱۶

## تعیین سرنوشت زنان توسط جنایتکاران گوناگون!

تا جایی که از مطالعه تاریخ بر می آید، از زمان به وجود آمدن "ادیان سماوی" با احکام و قوانین "آسمانی" و "زمینی" آن تا به حال که قرن ۲۱ است و تکنولوژی به طور چشم گیری پیشرفت نموده و دنیای تکنولوژی کمپیوتر مانند سرعت برق به پیش می رود، دیده می شود که با وجود گذشتن هزاران سال، کمتر تغییری در سرنوشت زنان به خصوص در کشور های تحت حاکمیت دولتهای اسلامی، جوامع مذهب زده و زن ستیز شرقی زیر سلطه عرف و فرهنگ مرد سالار به وجود آمده است.

به این معنا که زنان هنوز هم محروم از حقوق و آزادی های فردی خود هستند. زنان ستم دیده در دنیای خاموشی غرق در منجلا ب جهل و نادانی، پیروی از افکار اسارتبار جامعه مرد سالار، پایبند به خرافات دینی و مذهبی، آنچه را که مرد ها، فامیل، دین و آئین، عنعنات و کلتور و بالاخره جامعه و دولتها و نظامها و سیستم ها برای آنها تعیین می نمایند، مجبور هستند تا خود را به آن تطابق داده و از آن بیروی نمایند.

اگر ما به دوره های اخیر تاریخ کشور خود نظر بیندازیم دیده می شود که با حاکمیت دولت دستنشانده سوسیال امپریالیسم آنزمان، استقرار احزاب جنایتکار اسلام سیاسی، حاکمیت ارتجاع سپاه طالبی و حدود ۱۵ سال بدینسو سلطه اشغالگران، هر کدام از اینها آمدند و رفتند و اشغالگران هم به یقین که کمشدنی هستند، به اشکال و عناوین مختلف قوانین وضع نمودند، احکام صادر کردند و تا توانستند کینه، عداوت و دشمنی شان را با زنان، از طریق کشتار، قتل، تجاوز جنسی، تحقیر و توهین، شکنجه و خشونت، اختطاف، بریدن گوش و بینی و تیزاب پاشی عملی نمودند. با وجود تمام جنایاتی که در حق زنان مرتکب شدند، دیده می شود که امروز استعمار همه جنایتکاران را به دور خوان نعمت خود جمع نموده و حال مشترکاً دست به جنایات می زنند.

استعمار بدترین دشمن زنان است. حدود ۱۵ سال از تجاوز امپریالیستها به کشور ما افغانستان می گذرد، بیشترین قربانیان جنگ استعماری کنونی زنان و کودکان هستند. مادران خود صدها بار شاهد بدبختی و قتل فرزندان خود بوده و هستند و اطفال خود را دچار مصیبت های مختلف می بینند.

طوری که ما شاهد هستیم، امپریالیسم امریکا و متحدین ناتوی اش زمانی که به کشور ما تجاوز نمودند، روپوش اهداف استعماری خود؛ دموکراسی، تساوی حقوق زن و مرد، آزادی زنان و ... را قرار دادند و از همه مهمتر رهائی زنان را

از زیر ستم نظام زن ستیز طالبان بهانه قرار دادند و حملات جنایتکارانه خود را به اصطلاح علیه طالبان در افغانستان آغاز نمودند. اما از تحولات زیادتیر از ۱۵ سال تجاوز به کشور ما بر می آید که تکامل قضایا سیر تاریخی خود را خلاف ادعاهای قبلی متجاوزان یعنی کشاندن افکار خلقها به چال و فریب، دروغ و حيله امپریالیستی که گویا پلان نابودی طالبان، احیای دموکراسی، اعاده حقوق زنان و... را دارند عبور نموده، گذشت زمان ماهیت اصلی شان را نمایانده است.

امروز دیده می شود که تهاجمات سازمانهای ارتجاعی طالب و "داعش" در بطن اداره زن ستیز دولت مستعمراتی روز تا روز وسیعتر شده است. پس به صراحت گفته می توانیم: جایگاه زنان در کشور ما افغانستان در همان جایی که در زمان طالبان بوده است به همان جای نه تنها باقی مانده بلکه همکاریهای امپریالیستها با جهادی های زن ستیز و جنایت کار و در آینده با رویکار آوردن دوباره طالبان در قدرت استعماری و ارتجاعی موجود، سیر جامعه ما بر گشت به عقب است، لذا دیری نخواهد گذشت که زنجیر های اسارت هر چه بیشتر در پای زنان محکمتر خواهد شد. تا جایی که از مطالعه اوضاع بر می آید، بیشترین تعداد بیماران و بیکاران را در افغانستان زنان تشکیل می دهند، فحشاء و اعتیاد در میان آنان افزایش یافته، گدائی و زندگی بخور و نمیر، همه ارمانیست که تجاوزگران تقدیم زنان ستمدیده افغان نموده اند.

زن همیشه در مقام پست تر و پائینتری قرار داده می شود، از فامیل ها گرفته تا دولتها، احزاب اسلامی، طالب و ملا و چلی و در اخیر امپریالیستها، هر کدام به نوبه خود اوامر و احکامی را نسبت به امور زندگانی زنان صادر نموده و می کنند. تو گوئی که اصل مشکل در افغانستان زنها هستند که نظام ضد انسانی، اسلام زده و زن ستیز را به دور امیال و خواسته های آنها می چرخانند و آنها را به خود مشغول ساخته است. یکی می گوید زنان چه باید بکنند، چه باید بخورند ، چطور باید لباس بپوشند با کی باید صحبت بکنند و با کی دوستی و مراد داشته باشند و چه وقت با شوهران خود همبستر شوند و چند طفل به دنیا بیاورند و دومی حکم می کند که زنان باید چادی بپوشند و سومی می آید و امر می کند که فقط پوشیدن چادر کافی است، زنان با شرکت در امور اجتماعی باید در پیشبرد جامعه سهیم باشند، برخوردار از آزادی های فردی باشند و... خلاصه زنان هستند که باید خود را گاه با قوانین زن ستیز و مرد سالار و گاه هم با قوانین به اصطلاح دموکراسی ، حقوق و آزادی زن (رقصیدن، خواندن، موسیقی و...) عیار بسازند و به ساز فامیل، ارتجاع و امپریالیسم برقصند، بدون این که حق داشته باشند تا خود در امور زندگانی به حیث یک انسان مستقل و آزاده تصمیم بگیرند و مطابق به آن زندگانی نمایند.

با قاطعیت می توان گفت این وضع تا زمانی ادامه خواهد یافت تا ما زنان خود پای پیش بگذاریم و در واژگون نمودن سیستم غیر انسانی که توأم با ایجاد محدودیتها و نابرابری های جنسیتی است، مبارزه نمایم.

**حقوق و آزادی زن زمانی تأمین خواهد شد، که از یک سو مبارزه زنان جزء لاینفک مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع باشد و از جانب دیگر، مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، متضمن ایجاد پایه های مادی تساوی همه جانبه زن و مرد باشد.**